

نقش شورادر اسلام



-08-1608:16:17 P

تأليف: دکتر علی محمد محمد صالحی

ترجمه: ناصر دانشور

www.Petab.ir

books73@gmail.com

staska.plots.com

سرشناسه	
عنوان قراردادی	: الصلابی، علی محمد محمد، ۱۹۶۳ - م.
عنوان و نام پدیدآور	: الشوری فریضه الاسلامیه، فارسی
مشخصات نشر	: نقش شورا در اسلام/ تالیف علی محمد محمد الصلابی؛ ترجمه ناصر دانشور.
مشخصات ظاهری	: سنندج: آراس، ۱۳۹۴.
شابک	: ۲۸۰ ص.
رضعیت فهرست نویسی	: 978-600-7682-23-4
موضوع	: فقیها
شناسه افزوده	: مشاوره -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
رده بندی کنگره	: دانشور، ناصر، ۱۳۵۹ - مترجم
رده بندی دیوبند	: ۱۳۹۴ ۹۰۴۱ ش ۸ ص / BP۲۳۰
ردیف	: ۲۹۷/۴۸۳
شماره کتابخانه ملی	: ۴۰۱۳۲۶۲



انتشارات آراس

08-1608:16:17 P

تألیف: دکتر علی محمد محمد الصلابی

ترجمه: ناصر دانشور

ناشر: آراس

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۱۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۲-۲۳-۴

مرکز پخش: سنندج پاساژ عزتی انتشارات آراس

تلفن: ۰۸۷-۳۳۱۲۸۳۴۱

ایمیل: arasbooks73@gmail.com

وبلاگ: arasku.blogfa.com

فهرست

۵	پیشگفتار.....
۹	مقدمه‌ی مؤلف.....
۲۳	مبحث اول.....
۲۳	اول: مشورت در قرآن کریم.....
۳۲	دوم: مشورت بر زمینهای عام در قرآن کریم.....
۳۵	سوم: مشورت در زمان پیامبر ﷺ.....
۶۰	چهارم: شورا در دوران خلافت ابوبکر صدیق ؓ.....
۸۳	پنجم: نقش شورا در زمان عمر فاروق ؓ.....
۱۱۱	ششم: شورا در عهد عثمان بن عفان ؓ.....
۱۱۹	هفتم: شورا در عهد عثمان بن سوفا در اداره‌ی شورا.....
۱۲۸	هشتم: نقش شورا در دوران خلافت عثمان بن عفان ؓ.....
۱۴۸	نهم: نقش شورا در دولت عمر بن عبدالعزیز.....
۱۵۱	دوران خلافت عمر بن عبدالعزیز.....
۱۵۳	دهم: شورا در زمان نورالدین زنکی.....
۱۶۳	مبحث دوم.....
۱۶۴	اول: فواید شورا.....
۱۶۱	از جمله فواید شورا.....
۱۷۱	دوم: حکم شورا.....
۱۷۴	سوم: مشورت تعلیمی و مشورت الزامی.....
۱۸۱	چهارم: زمینه های شورا.....

-08-1609-16:17 P

WWW.PDFLAB.PK

- پنجم: رابطه‌ی زنان با مسئله‌ی شورا ۱۸۶
- ششم: رابطه‌ی شورا و اقلیتهای موجود ۱۹۷
- هفتم: صفات افراد شورا و نحوه‌ی انتخاب آنان ۲۰۵
- هشتم: کلیات شورا ۲۱۷
- مسئله‌ی تعلیم و تعلّم در رابطه با شورا ۲۲۴
- جریان حفر خندق ۲۳۵
- آیا می‌توانیم از دموکراسی استفاده کنیم؟ ۲۳۷
- ضررهای آفات دموکراسی ۲۳۹
- تفاوت بین شورا و دموکراسی ۲۳۹
- نهم: بحران نمدان شورا در بین مسلمانان ۲۷۴
- دهم: حجت بر شیعیان ۲۸۱

08-1608-16:17 P

WWW.ARASTO.IR

پیشگفتار

موضوع شورا و وجود مشورت از جمله مباحث مهم دینی به حساب می‌آید که در پیش‌برد اهداف جامعه‌ی اسلامی، هم به شکل تئوری و هم عملی بسیار مؤثر و کارساز بوده که امروزه مورد بی‌مهری قرار گرفته‌است.

کتاب حاضر با درجمعه برادر بزرگوارم آقای ناصر دانشور،

از جمله معدود آثاری است که به صورت مفصل به بررسی مبحث

مشورت پرداخته و از جنبه‌ی علمی آن در جامعه اسلامی اهمیت آن را با دقت نظر مترجم در پرداختن به این اثر مهم است.

عوامل زیادی در نابه‌سامانی وضعیت امروزه‌ی مسلمانان دخیل می‌باشند که از جمله‌ی آنها عدم توجه به شورا و سایر کارهایی است که می‌تواند نقش مهمی ایفا نماید.

مشورت از ابتدای خلقت انسان و در میان همه‌ی پیامبران وجود داشته که قرآن به صراحت به آن اشاره نموده است. از ابتدای رسالت پیامبر نیز هسته‌ی اولیه‌ی آن در منزل (ارقم بن ارقم) شکل گرفت. با حضور پیامبر و وجود وحی و چنین جلسات مشورتی، به‌خصوص دوران پراز محنت سیزده ساله‌ی مکه چنان شاگردانی

تربیت شدند که نمونه‌های بی نظیری در تاریخ اسلام شدند. یعنی علی‌رغم وجود وحی الهی و تمسک به آن در مسایل اعتقادی، پیامبر در مسایل مهم اجتماعی، نظامی و... از رأی و نظر اصحاب بهره‌مند می‌شدند. بر همین اساس بود که ایشان جهت تکریم و احترام به افکار و نظرات مسلمانان و زمینه‌ی ایجاد شورا در آینده، جانشین پس از خود را انتخاب نمود؛ بلکه سقیفه‌ی بنی ساعده و جلسه‌ی مشورتی اصحاب مهاجر و انصار این امر مهم را رقم زد.

دوران خدای راشدین، دوران حکومت شورا بود و دراصل آنان مجریان تصمیمات شورا بودند و جایی برای اعمال نظرهای شخصی در مسایل حساس حکومتی وجود نداشت. تربیت در یکتربیت‌گرایی و پایبندی به شورا، چنان جرات و ددنی به مسلمانان داده بود که با مشاهده‌ی منکرات و ارزش‌های ضد دینی، بتوانند انتقاد کنند و جواب بخواهند؛ که نمونه‌های آن در این اثر ذکر گردیده و از تکرار آن خودداری می‌شود.

متأسفانه این حکم الهی و میراث ارزشمند نبوی بعد از خلافت سی ساله‌ی خلفای راشدین، از عرصه‌ی حکومت پدید شد و حاکمان از حکومت شورایی به حکومت استبداد فردی روی آوردند و حتی برای مشروعیت بخشیدن به آن، متوسل به زور و ارباب شدند.

ماجرای دلخراش کربلا و قتل عامی که روی داد، در راستای همین بیعت گرفتن‌های به زور شمشیر بود. حسین بن علی علیه السلام حاضر نشد

به چنین بیعتی تن دردهد و آن را مشروع بداند که اعتراض وی به نسبت این تغییر حکوت از شورایی به استبدادی، این برنامه‌ی دردناک را رقم زد. این تغییر نحوه‌ی حکومت، چنان شوم و مخرب بود که میراث آن هنوز هم در حکومت‌های اسلامی باقی مانده و حاکمان، حکومت را حق مطلق خود و خانواده‌ی خود می‌دانند و هر کس را سر راه خود ببینند، برمی‌دارند.

پس رجوع حکومت‌های استبدادی و موروثی ثمره‌ی نابودی شورا بوده و حاکمان اگر چه به ظاهر اهل نماز و روزه بودند ولی دست مردم را در انتقاد و به چالش کشیدن، کوتاه کردند. اما در این میان عالمان چه نقشی داشتند؟

عالمان دینی هم در این مسیر به سه دسته تقسیم شدند:

۱. گروهی درباری و وابسته به حاکمان.
 ۲. گروهی سروری و به کنج عتق خزیده.
 ۳. گروهی هم متفکر و منتقد که سر از زندانها درآوردند.
- استبداد و تنگ‌نظری حکومت‌ها باعث شد که فقیهان و مفسران درباری شورا را کنار گذاشته و به جای آن در سایه‌ی جنبی فقهی و احکام مربوط به آن به صورت تفصیلی بحث کنند. به عنوان مثال در مورد وضو که آموزش آن چند دقیقه بیشتر طول نمی‌کشد، صدها صفحه نوشته شده و جلد‌های زیادی صورت گرفته که متأسفانه تاثیر منفی آن، استثمار فکری و سیاسی مردم بوده است.

08-1608-16:17

چنین شد که یک بار دیگر مردمانی که از بندگی بندگان به سوی بندگی الله درآمده بودند، دوباره به بندگی و بردگی انسانها گرفتار آمدند. این سخن خلیفه‌ی دوم عمر بن خطاب به یکی از فرماندهانش چه به‌جا بود که فرمود: "از کی مردم را به بندگی خود گرفته‌اید در حالی که مادرانشان آنان را آزاد به دنیا آورده‌اند."

بدون شک با وجود شورا و مشورت، مسایل شخصی و خانوادگی، تزلزل حکومتی و جهانی سروسامان داده می‌شود که این امر مهم بسیار به یافتن سازوکارهای لازم برای تثبیت آن در عرصه‌های زندگی فردی، اجتماعی و حکومتی دارد.

WWW.ELAP.P 17:16:1608-08-

مقدمه‌ی مؤلف

إن الحمد لله، نحمده و نستعينه و نستغفره و نعوذ بالله من شرور أنفسنا و من سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له و من يضلل فلا هادي له، و شهد أن لا اله إلا الله وحده لا شريك له، و أشهد أن محمداً عبده و رسوله.

خداوند سبحان قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾^۱ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید آن چنان که باید از خدا ترسید از خدا بترسید (و با انجام واجبات و دوری از منہیات گوهر تقوا را به دامن گیرید) و شما رسم کنید غافل نباشید تا چون مرگتان به ناگاه دررسد) نمی‌میرید مگر آن که مسلمان باشید.»

و نیز می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي آتَى النَّسَاءَ لُحُومًا بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾^۲ «ای مردمان!

۱. آل عمران / ۱۰۲.

۲. نساء / ۱.

از (خشم) پروردگارتان پرهیزید. پروردگاری که شما را از یک انسان بیافرید و (سپس) همسرش را از نوع او آفرید، و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی (بر روی زمین) منتشر ساخت. و از (خشم) خدایی پرهیزید که هم‌دیگر را بدو سوگند می‌دهید؛ و پرهیزید از این که پیوند خویشاوندی را گسیخته دارید (و صله‌ی رحم را نادیده گیرید)، زیرا که بی‌گمان خداوند مراقب شما است (و کردار و رفتار شما از دیده‌ی او پنهان نمی‌ماند).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾^۱ «ای مؤمنان! از خدا بترسید (و خویشتان را با انجام خوبیها و دوری از بدیها از عذاب او بترسانید) و سخن حق و درست بگویید.»

شورا و مشورت، ارزشی انسانی به حساب می‌آید که ملت‌ها، قبایل و مجامعی از طریق آن در تاریخ هر کدام به روشی مشخص و در مکانی خاص در دست‌های سبیری، جنگل‌های آفریقا یا بیابانهای جزیره‌العرب و رشته‌کوه‌های آسیا و هم‌چنین مراتع اروپا و... آن را تجربه کرده‌اند. اما اسلام علاوه بر این موارد، به آن جنبه‌ی عبادی افزوده و آن را به‌عنوان یکی از ارشدها و الهی انسانی معرفی نموده که برای عمل کردن به آن ثواب و پاداش برقرار گرفته و بر ترک آن، جزا و عقاب قرار داده است.

قضیه‌ی مشورت از همان ابتدای خلقت انسان مطرح بوده؛ که در این باره خداوند سبحان این‌گونه ما را باخیر می‌سازد:

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۗ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ

قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٢﴾ وَعَلَّمَ عَادَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ
 عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَتَشِينُونَ بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٣﴾ قَالُوا
 سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٣٤﴾
 «زمانی (را یادآوری کن) که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در
 زمین جانشینی بیافرینم (تا به آبادانی زمین پردازد و آن زیبانگاری و
 نوآوری را که برای زمین معین داشته‌ام به اتمام رساند و آن انسان
 است. فرشتگان دریافتند که انسان بنا به انگیزه‌های سرشتی زمینی‌اش
 فساد و تاهی برپا می‌دارد. پس برای دانستن نه اعتراض کردن از خدا
 پرسیدند که حرکت بدتری انسان بر ایشان برای امر جانشینی چیست
 (و گفتند: آیا بر زمین کسی را به وجود می‌آوری که فساد می‌کند و
 تباهی راه می‌اندازد. روز می‌بزد، حال آن‌که ما (پیوسته) به حمد و
 ستایش و طاعت و عبادت تو مشغولیم؟ گفت: من حقایقی می‌دانم که
 شما نمی‌دانید.» سپس به آدم ناها را (اسماء و خواص و اسرار و
 چیزهایی که نوع انسان از لحاظ طبیعت مادی و معنوی آسمانی
 فراگیری آنها را داشت، به دل او الرهم کرد و بدو) همه را آموخت.
 سپس آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: «خبر راست می‌گویید
 (و خود را برای امر جانشینی از انسان بایسته‌تر می‌بینید) اسمای (و
 خواص و اسرار) اینها را برشمارید.» فرشتگان گفتند: «نزهت تو، ما
 چیزی جز آنچه به ما آموخته‌ای نمی‌دانیم (و توانایی جانشینی را در
 زمین و استعداد اشتغال به امور مادی را نداریم و معترفیم که آدم
 موجودی شایسته‌تر از ما است و) تو دانا و حکیمی.»

این گفتگو که به ظاهر نوعی مشاوره یا اظهار نظر بوده [البته پناه بر الله که فرض کنیم وی مشاوره نموده]، اما خداوند سبحان با بیان آن اراده نموده تا به عنوان روشی اصولی برای انسانها در کارهایشان قرار گیرد؛ هم چنین نوعی تکریم و بزرگداشت ملائک است که خداوند این عمل را به عنوان سستی مبارک و اولین عمل جمعی برای ما به یادگار گذاشته باشد.

در این کتاب خواننده‌ی محترم مجموعه بحث‌های مفیدی در رابطه با شورا و مشورت، همراه با آیات ذکر شده در قرآن پیش روی خود می‌بیند. به عنوان مثال (مشورت ابراهیم)، (مشورت در خانواده) و ... مواردی، که ضروری است تا در ارتباط با عموم مردم

در زندگی‌شان مدنظر قرار گیرد. ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا يَتَّبِعُونَ الْأَمْرَ وَالشُّورَىٰ وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ يُرِيتُهُمْ رَزَقَتْهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۳۸﴾^۱ «و کسانی که دعوت پروردگارشان را پاسخ می‌گویند، و نماز را چنان که باید می‌خوانند، و کارشان بر پایه‌ی شورا است، و از چیزهایی که بدیشان داده‌ام (در کارهای خیر) انفاق می‌کنند».

آیه‌ی یاد شده در سوره‌ای واقع گردیده که به خاطر اهمیت بحث شورا، اسم آن شوری قرار گرفته است. یعنی سوره‌ی «شوری»، چون جایگاه شورا را بیان می‌کند. شورا در این آیه به عنوان صفتی ثابت، هم‌زمان با صفات اساسی مجموعه‌ی مسلمانان مؤمن ذکر شده. یعنی مسلمانان پس از آن‌که ایمان آوردند و بر خداوند توکل کردند، از گناهان دوری می‌نمایند و دعوت خداوند را که قبول کردند

هم‌زمان به اقامه‌ی نماز می‌پردازند. سپس بر امر شورا پایبند می‌شوند و خود را به مقام زکات و انفاق مال می‌رسانند.

این آیه جزو آیات مکی قرآن است؛ با این توضیح که قبل از صدور و اجرای احکام حکومتی در مدینه، مشورت به عنوان اصلی مهم در زندگی اصحاب وجود داشت که وضعیت مسلمانان و وقایع پیش روی آنها را متذکر می‌شد. درحقیقت نشان می‌دهد مشورت و زمینه‌ی ایجاد شورا، عملی ناگهانی و اتفاقی نبوده؛ بلکه می‌بایست از مدت قبل به شکل صفتی ثابت و پایدار در وجود مسلمانان شکل گیرد.

﴿فَمَا أُوْبِيْهُمْ مِنْ شَرِّهِمْ فَمَتَّعَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ وَأَبْقٰى لِلَّذِيْنَ ءَامَنُوْا وَّسٰلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُوْنَ ﴿٣٦﴾ وَالَّذِيْنَ يَجْتَنِبُوْنَ كَبِيْرَ الْاِثْمِ وَالْفَوٰحِشِ وَاِذَا مَا خَضَعُوْا لَهُمْ يُغْفِرُوْنَ ﴿٣٧﴾ وَالَّذِيْنَ اَسْتَجَابُوْا لِرَبِّهِمْ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاَنْزَلُوْا مِنْ رَّبِّهِمْ وَاَنْزَلُوْا مِنْ رَّبِّهِمْ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاَنْزَلُوْا مِنْ رَّبِّهِمْ وَاَنْزَلُوْا مِنْ رَّبِّهِمْ﴾^{۳۸} «آنچه به شما داده شده، مناع ورود کفر و ناپسندیدن زندگی دنیا

است (و در اصل برق جهان، شعله‌ای در برابر باد، جایی بر سطح آب، و غباری در مسیر طوفان است). ولی آنچه راز پادشاهی و مواهبی که نزد خدا است بهتر و پایدارتر برای کسانی است که پادشاهی آورده و بر پروردگارشان توکل کرده باشند.»^{۳۹} «و کسانی هستند که از گناهان بزرگ، و اعمال بسیار زشت و ناپسند می‌پرهیزند، و کسانی که خشمناک می‌گردند (زمام اختیار از دست نمی‌دهند و پرت‌وپلا نمی‌گویند و آلوده‌ی گناه نمی‌شوند، و بلکه نفس خود را مهار می‌کنند و به‌خشم آورندگان را) می‌بخشند.»^{۴۰} «و کسانی هستند که دعوت

پروردگارشان را پاسخ می‌گویند، و نماز را چنان که باید می‌خوانند، و کارشان بر پایه‌ی شورا است، و از چیزهایی که بدیشان داده‌ایم (در کارهای خیر) انفاق می‌کنند.

مطالب کتاب پیش رو به این شکل ترتیب یافته که، در مبحث اول نقش و اهمیت مشورت در حیات پیامبر ﷺ و لزوم وجود شورا در دوره‌ی خلافت خلفای راشدین، عمر بن عبدالعزیز و نورالدین محمود زنکی بیان شده و در مبحث دوم به فواید و احکام شورا و زمینه‌ها، اساسی آن اشاره گردیده است. از جمله فواید مهم آن: (اجرای صحیح و مسیر بندگی و اطاعت خداوند - مشارکت افکار جمعی - استفاده از تجربیات اهل فن - تقویت و به‌کارگیری نیروی انسانی در زمینه‌ی مختلف - مشارکت جمعی و گروهی - ایجاد اعتماد بین حکم مردم - ایجاد با استعدادهای فردی و ایجاد حساسی حکومت برای هم‌فکری با مردم است تا بدین وسیله نیب‌های فردی افراد در شرایط و مواقع مختلف بروز نمایند).

شورا تخصص‌ها و توانایی‌ها را محصور به فرد را در اختیار دولت قرار می‌دهد و به این طریق فریب و تک‌رایی را با توجه به طبیعت امر شورا، به انزوا می‌کشاند. شورا و مشورت استعدادهای نهفته‌ی افراد را آشکار می‌سازد و آنان را تشویق به مشارکت می‌کند. هم‌چنین با ریشه‌های تندروی و خشونت فردی به مبارزه برمی‌خیزد و در نهایت نگاه ما به یک مشکل اساسی را از زوایای مختلف تصحیح می‌نماید.

در اینجا می‌خواهیم مسئله‌ی مهمی را مطرح کنیم و آن این که آیا مشورت کردن و شورایی عمل نمودن؛ آموزشی و اختیاری است یا اجباری و الزامی؟ با استدلالی که از قول گروهی از علما و

دانشمندان امت اسلامی به دست آورده‌ام متوجه شدم که در واقع مشورت امری الزامی است که عدم توجه به آن ضررهای زیادی را متوجه مردم می‌سازد. دلیل آن هم جایی است که خداوند ما را بر انجام آن ملزم می‌کند تا این که یاد بگیریم دراصل، پیاده شدن قوانین اساسی حکومت بدون انجام آن ممکن نخواهد بود.

دولت اسلامی، دولتی متمدن و متشکل از مؤسسات مردمی است که قضایای تفکیک قوا را در خود پیاده کرده؛ و با وجود این که از منبع اسلامی سیراب می‌شود دولتی تئوکراسی^۱ نیست که فقط رجال دین آن را اداره کنند، بلکه دولت، دولتی مردمی است و حتی ممکن است پایین ترین نردبان در آن تأثیرگذار باشد؛ پس لازم است همهی مردم آماده آن باشند که در امر شورا سهیم باشند و حکومت هم براساس نظر اکثریت اداره شود. به همین دلیل قضایای مهم شورا باید قبل از هر چیزی منسوخ گردد و پیش از ورود به هر اقدامی جدی در تشکیل حکومت، مطرح شود تا نظام سیاسی کشور، براساس آن شکل گیرد.

زمینه‌های انجام مشورت و تشکیل شورا متعدد است که در رابطه با قضایای سیاسی، صدور احکام، اجتهاد، جانشینی و سایر دیگر می‌توان از آن کمک گرفت. حتی در این باره مشارکت زنان نیز ضروری به حساب می‌آید که قرآن در دو مورد این مطلب را برای ما بازگو می‌کند:

۱. جوامعی که رؤسای آنها خود را فرستادگان خداوند می‌دانند و استبداد فردی جایگزین تصمیم‌گیری عمومی است. مانند حکومت امویان و عباسیان و یا دولت‌های شرقی. مترجم

- ۱- جایی که یک زن درخواست مشورت از دیگران را دارد.
- ۲- در جایی دیگر یک زن به دیگران مشورت می‌دهد؛ که در هردو مورد نهایت بزرگی مقام زن و مشارکت آنان و هم‌چنین رضایت به امر شورا را بیان می‌دارد.

در مورد اولی، خداوند ماجرا را از زبان ملکه‌ی سبأ برای ما بارگو می‌کند: ﴿قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا۟ اِیۡنَیۡ اِلَیَّ كِتٰبٌ كَرِیۡمٌ ﴿۱۱﴾ اِنَّهُ مِنْ سُلَیۡمٰنَ وَاِنَّهُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیۡمِ ﴿۱۲﴾ اَلَّا تَعْلَمُوْا عَلَیَّ وَاَتُوْنِیۡ هٰۤیۡ سُلَیۡمِیۡنَ ﴿۱۳﴾ قَالَتْ یٰۤاَیُّهَا الْمَلَأُوْا۟ اَفۡتُوْنِیۡ فِیۡ اَمْرِیۡ مَا كُنْتُ قَاطِعَةً اَمْرًا حَتّٰی تَشٰهَدُوْهُ ﴿۱۴﴾ قَالُوْا لَحٰنٌ اُولُوْا قُوَّةٍ وَاُولُوْا بَآسِیۡنَ شَدِیۡدٍ وَاَلَا مَرۡ اِلَیۡكَ فَاَنْظُرِیۡ ﴿۱۵﴾ اِنَّا تٰمُرِیۡنَ ﴿۱۶﴾ قَالَتْ اِنَّ الْمَلُوۡكَ اِذَا دَخَلُوْا قَرْیَةً اَفۡسَدُوۡهَا وَحَمَلُوْا اَعۡیۡتَہَا اَهٰلَہَا اِنَّہٗمْ لَکٰذِبُوۡنَ ﴿۱۷﴾ وَاِنِّیۡ مُرۡسِلَةٌ اِلَیۡہِمۡ بِمِیۡدَیۡہِ فَاَنْظُرُوۡۤا یٰۤاَیُّهَا الْمُرۡسَلُوۡنَ ﴿۱۸﴾ (بقره، ۲۵۵) گفت: ای سران قریه! ای محترمی به سویم انداخته شده. این نامه از سوی سلیمان آمده، و (سرآغاز) آن چنین است: به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. برای این (نامه را فرستاده‌ام) تا برتری‌جویی برابر با من نکنید، و تسلیم شده به سوی من آید. (بقره، ۲۵۵) گفت: ای بزرگان و صاحب‌نظران! رأی خود را در این کار، مه‌برای من ابراز دارید که من هیچ کار مهمی را بدون حضور و نظر شما انجام نداده‌ام. گفتند: ما از هر لحاظ قدرت و قوت داریم و در جنگ تند و سرسخت می‌باشیم. فرمان فرمان تو است، بنگر که چه فرمان می‌دهی. گفت: پادشاهان هنگامی که وارد منطقی آبادی شوند، آن را به تباهی و ویرانی می‌کشاند و عزیزان اهل آنجا را خوار و پست می‌گردانند.

دراصل پیوسته شاهان چنین می‌کنند. من (برای صلح و ساز و جلوگیری از خرابیها و خونریزیها، هیتی را) به پیش آنان می‌فرستم همراه با تحفه‌ای تا ببینم فرستادگان (ما از پذیرش ارمغان یا نپذیرفتن آن، و چیزهای دیگر) چه خبری با خود می‌آورند (تا برابر آن عمل کنیم).»

در حالت دوم مشورت و نظر یکی از خواهران یا به عبارتی دختران شیخ پس بدین را نسبت به پیامبر خدا موسی علیه السلام می‌بینیم: ﴿قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَجَرْتِ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾^۱ «یکی از آن دو (دختر) گفت: ای پدر من! او را استخدام کن. چرا که بهترین کسی را که با او استخدام کنی شخصی است که نیرومند و درستکار باشد.»

که در نتیجه‌ی این مشورت امامت را احیای خاطر برای موسی علیه السلام بوجود آمد.

هم‌چنین توضیح داده‌ام که ارزش مملکت، مشورت در همه‌ی ممالک و همه‌ی شئون مصلحتی حکومتی است. ما به حشم می‌خوریم و در بین همه‌ی آنها چه حکومت‌های اسلامی و چه غیر اسلامی به‌عنوان عنصر و قاعده‌ای مشترک درآمده که حتی تأثیر آن در اخلاقیات جمعی و فردی نیز ملموس است.

در این کتاب درمورد خصوصیات و صفات افراد اهل مشورت و چگونگی برخورد آنها و یا مهم‌ترین ویژگی لازم برای یک فرد صحبت به میان آمده که عبارتند از: علم، امانت، مهارت. در بخشی هم صلاحیت مجلس شورا همراه با قواعد و اصول مقرر در آنجا را

به طور خلاصه شرح داده‌ام و این سؤال مطرح شده که آیا در این میان دموکراسی حرفی برای گفتن دارد یا نه؟ اصلاً فرق بین دموکراسی و طرح شورا و مجلس مشورتی چیست؟ یا چه شباهت‌هایی با هم دارند؟ و یا دموکراسی در این زمینه ممکن است چه مشکلاتی به وجود آورد؟

در ادامه‌ی بحث‌های مطرح شده در این کتاب، بر رابطه‌ی بین شورا و تغییر و اصلاح نیز تمرکز شده است.

رواقی اندامات اصلاحی که احزاب، دولت‌ها، مؤسسات و داعیان کثرت‌رهنی عربی و اسلامی مشغول آن هستند و منادی اصلی آن می‌باشند، رتبه‌های تنگاتنگ با مسئله‌ی شورا دارد.

یعنی در اصل تغییر و اصلاح درونی، از عقیده، فرهنگ، شخصیت جهانی و استعدادات موفقیت‌آمیز سرچشمه می‌گیرند. حرکتی که امت اسلامی باید آن را برز کند، به آن عمل نماید و هم‌چنین به انجام و اجرای آن تشویق کند و بر اساس آن تغییر یابد، حتی اگر به صورت نسبی هم باشد.

و نیز اشاره کرده‌ام که مشورت و شورا باید با آزادی کامل صورت گیرد و هیچ‌گونه محدودیتی به وجود نرود. فرد باید در چنین موقعیتی، آزادی فکر و آزادی بیان داشته باشد. حقیقت شورا بدون آزادی بیان معنایی ندارد و هیچ وقت به نتیجه نمی‌رسد و اگر هم برسد ادامه پیدا نمی‌کند و اگر هم ادامه یابد پایان خوبی ندارد و به جای این که روح شورا حاکم گردد، مجموعه‌ای از حرکات و رسوم و نامها در قالب خود باقی می‌مانند.

در نوشتن این مطالب، با حقیقت گمشده‌ی شورا در ممالک اسلامی و همه‌ی امکانات و وسایل لازم جهت برگشتن مجدد این

حکم مهم الهی به زندگی مسلمانان همراه با درک اهمّیت و هم‌چنین انجام مقدمات زیربنایی و اساسی برای آن مواجه شدم. از جمله: تأسیس مؤسسات مردمی و مدنی، حذف قداست و احترام بیش از حد برای رؤسا و بزرگان و رهبران دینی، انکار وجود هاله‌ی نور برای بعضی شخصیت‌ها، تلاش برای آزادی بیان، برقراری مساوات و برابری، انتشار و تبلیغ جهت علمی کردن فرهنگ شورا در زندگی، بیان بایگاہ آن از همان ابتدا در مدارس، دانشگاه‌ها، مجتمعات، اصناف و روابط بین افراد و از همه مهم‌تر مبارزه با استبداد؛ زیرا استبداد زود خوب آرزوی برآورده شدن امر شورا را در اسلام و ممالک اسلامی برآورد و دقیقاً نقطه مقابل شورا عمل می‌کند؛ که نتیجه‌ی شوم آن در همه‌ی افراد جامعه از کوچک و بزرگ، مشابه می‌شود. در آن دوره تشریع تمام معیار حاکم می‌شود و این گونه انسان‌ها را خطاب قرار دادند که علم، پدرم می‌شود و خراب‌کاری، مادرم. تجاوز به حقوق دیگران برادرم و تنگ‌دستی، خواهرام. ضرر و زیان، عمویم و ذلت و بدبختی، دایی‌ام. فقر و هلاکت، پسر و نابودی، دخترم می‌شود و درکن کشورم ویران می‌گردد و مجموعه‌ی انسان‌های اطرافم، جاهل و نادان، خراب‌اند شد.

در مقابل اگر شورا و مشورت حاکم گردد، این گونه آن‌ها را متوجه خود می‌سازد که: من سراپا خیر هستم، عدالت، پدرم و بیکی به دیگران، مادرم می‌شود. برادرم، وفای به عهد و خواهرم عزت. عمویم منفعت و دایی‌ام ارتقا. بی‌نیازی، پسر و بی‌نیازی و در دست‌کاری، دخترم. و سرانجام کشورم آباد و اطرافیانم آگاه خواهند شد.